

An Analytical Study of the Reports on the Presentation of Hadith Books to the Ahl al-Bayt (AS) and its Role in the Hadith Validation System of Early Shia Scholars

Mahdi Safarzadeh Seraskanrud¹ Mohammad-Ali Tajari²

1 PhD Candidate in Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Qom University, Qom, Iran. mahdi1000@gmail.com

2 Associate Professor of Quran and Hadith Sciences, Qom University, Qom, Iran. ma.tajari@yahoo.com

Doi: 10.22034/iscw.2024.2040871.1096

Original Research

Received:

2024-06-05

Accepted:

2024-08-25

Keywords:

Presentation of Hadith, Presentation of Books to the Imam, Authority of Written Sources, Hadith Validation, Early Imami Hadith Scholars, Bibliographic Analysis

Abstract: One of the distinctive features of Shia hadith, rooted in its theological foundations, is the continuation of the era of infallible Imams after the Prophet Muhammad (peace be upon him) and the ongoing compilation of hadith during this period. Numerous works were written during this era, with the encouragement and general supervision of the Imams (peace be upon them), in various formats. These works occupied a central position in the validation system of early Shia scholars, as the authenticity of a hadith was determined by a "system of indicators," primarily organized around the concept of a "written source." According to Shaykh Baha'i in his *Mashreq al-Shamsayn*, one of the indicators of a source's reliability for early scholars was "presenting the book to the Imam and obtaining his approval." This study, employing an analytical approach, aims to elucidate the basis for hadith authenticity among early Shia scholars by examining the narrations concerning the presentation of hadith collections to the Imams (peace be upon them). Among the findings of this research is that the presentation of books to the Imams, in both detailed and summarized forms, served as one of the methods for evaluating books among early scholars. Considering the historical breadth of this practice and the diversity of the books presented, it can be regarded as an established tradition among them. However, challenges such as the multiplicity and dispersion of manuscripts across the Islamic world, the loss of many of the presented books, and the extent of the Imams' approval or rejection of them pose difficulties for later scholars in utilizing this criterion.

مطالعه تحلیلی گزارش‌های عرضه کتب حدیثی بر اهل بیت علیهم السلام

و نقش آن در نظام اعتبارسنجی حدیث نزد قدما

مهدی صفرزاده سراسکانرود^۱ محمدعلی تجری^۲

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران.

mahdi1000@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران. ma.tajari@yahoo.com

DOI: 10.22034/isw.2024.715252

چکیده: از امتیازات حدیث شیعه که ریشه در مبانی کلامی دارد، امتداد دوره حضور معصوم پس از پیامبر (ص) و نگارش مستمر حدیث در این دوره است. آثار فراوانی در این دوره با ترغیب و نظارت کلان امامان علیهم السلام در قالب‌های مختلف نگاشته شد که جایگاه محوری را در نظام اعتبارسنجی قدما به خود اختصاص داد؛ زیرا صحت حدیث نزد آنان تابع «نظام قرائن» بود و عمده‌ی این قرائن بر محوریت «منبع مکتوب» سازمان یافته بود. بر اساس گزارش شیخ بهایی در مشرق‌الشمسین یکی از قرائن اعتبار منیع نزد قدما «عرضه کتاب بر امام و تأیید آن» است. پژوهش حاضر با روش مطالعه تحلیلی و با هدف تبیین مبنای صحت احادیث نزد قدما، به بررسی روایات عرضه کتب حدیثی بر امامان علیهم السلام پرداخته است. از جمله نتایج این پژوهش آن است که عرضه کتاب بر امام به دو شکل تفصیلی و اجمالی به عنوان یکی از راه‌های ارزشیابی کتب نزد قدما بوده است و با توجه به گستره تاریخی عرضه و تنوع کتاب‌ها می‌توان آن را به عنوان یک سنت نزد آنان تلقی کرد. اما مشکلاتی همچون تعدد و پراکندگی نسخه‌ها در بلاد اسلامی، فقدان بسیاری از کتب عرضه شده و میزان تأیید یا رد ائمه علیهم السلام، استفاده از این معیار را برای متأخرین با چالش مواجه می‌سازد.

صص:

۲۳۱-۱۹۹

مقاله:

علمی مروری

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۵/۲۸

کلیدواژه‌ها:

عرضه حدیث،

اعتبار منبع مکتوب،

اعتبارسنجی حدیث،

محدثان متقدم

امامی، تحلیل

فهرستی.

۱. مقدمه و بیان مسئله

تاریخ حدیث شیعه شاهد دو نظام عمده در اعتبارسنجی روایات است: نظام اعتبارسنجی قدما که تا پیش از علامه حلی جریان داشت و نظام اعتبارسنجی متأخرین که توسط علامه حلی تبیین شد (عاملی، ۱۴۰۳ق؛ ج ۱، ص ۱۳) و به مکتب حدیثی حله انتساب یافت. این تغییر رویکرد توسط علامه حلی و استادش سید جمال‌الدین بن طاووس شکل گرفت. تمایز اساسی بین این دو نظام به ملاک‌های سنجش اعتبار حدیث برمی‌گردد. مکتب حدیثی حله بر اعتبارسنجی «راوی محور» یا «رجال محور» استوار است؛ زیرا تنها عیار سنجش اعتبار روایت، اوصاف رجالی افراد سند است (برای نمونه ر.ک: بهسودی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۹۶) و تقسیم چهارگانه حدیث به «صحیح، حسن، موثق و ضعیف» حاصل همین رویکرد است.

اما نظام اعتبارسنجی قدما محدود به بررسی سند و رجال آن نیست و اصالت در این نظام با «قرائن» است و اوصاف رجالی راوی تنها یکی از قرائن اعتبار به شمار می‌آید. در این شیوه برای اطمینان از انتساب حدیث به معصوم، مجموعه قرائن اعتبارزا یا اعتبارزدا بررسی می‌شود (برای نمونه ر.ک: همدانی، ۱۴۲۲ق، ج ۷: ۲۵۵). این قرائن در سه محور: ۱. منبع مکتوب حدیث؛ ۲. رجال سند و ۳. متن حدیث سامان یافته است. حال اگر با بررسی این قرائن، وثوق به صدور حدیث پیدا می‌کردند آن حدیث را «صحیح» می‌خواندند و اگر تردید در صدور باقی می‌ماند آن حدیث را «ضعیف» قلمداد می‌کردند.

تحلیل حدیث‌شناسان از نظام ارزیابی قدما، نشان از آن دارد که بخش قابل توجهی از این قرائن مبتنی بر محور اول یعنی منبع مکتوب است. به گفته میرداماد، اخذ حدیث از کتاب صحیح و معتمد، یکی از ارکان تصحیح حدیث نزد قدما بوده است (میرداماد ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۱۶۱). شیخ حرّ عاملی در فائده هشتم از خاتمه وسائل الشیعة پس از تقسیم قرائن معتبر به قرائن صدوری و قرائن محتوایی، وجود حدیث در کتاب معتمد را از جمله قرائن صدور خبر می‌شمارد و در ادامه می‌نویسد: «وقد عُلم بالتتابع والنقل الصریح: أنهم ما كانوا یثبتون حدیثا فی کتاب معتمد حتی یثبت عندهم صح نقله، وقد نصوا علی

استثناء احادیث خاصه من بعض الكتب، هو قرینه علی ما قلنا» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ۳۰: ۲۴۴).

تحلیل تفصیلی نظام قرائن، که در ضمن آن مصادیق قرائن و حدود و ثغور آنها تبیین می‌شود، اولین بار توسط شیخ بهایی در مشرق‌الشمسین ارائه شده است. وی قرائن پنجگانه زیر را برای صحت صدور حدیث می‌شمارد: ۱. وجود خبر در بیشتر اصول چهارصدگانه‌ای که مشایخ حدیث، آنها را با طرق متصل به اصحاب ائمه علیهم السلام نقل کرده‌اند. این اصول در دسترس قدما شهرت بسیار داشته است؛ ۲. تکرار خبر در یک یا چند اصل به طرق متعدد و اسناد معتبر گوناگون؛ ۳. وجود خبر در اصل یکی از اصحاب اجماع یا اصل یکی از راویان که اجماع بر عمل به روایات ایشان وجود دارد (مانند عمار ساباطی)؛ ۴. وجود خبر در آثاری که بر یکی از ائمه عرضه شده و ایشان آن را ستوده‌اند (مانند کتاب عبیدالله حلبی که بر امام صادق علیه‌السلام و کتاب یونس بن عبد الرحمن و فضل بن شاذان که بر امام عسکری علیه‌السلام عرضه شده است)؛ ۵. اخذ حدیث از کتاب‌هایی که پیشینیان به آنها اعتماد و اطمینان داشته‌اند (اعم از اینکه مؤلف آن، امامیه یا غیر امامیه بوده است) (بهایی عاملی، ۱۳۹۸ق، ج ۱، ص ۲۶).

این گزارش، محوریت «منبع معتبر» در وثوق به صدور حدیث در نزد قدما را به وضوح نشان می‌دهد؛ زیرا همه قرائن یاد شده مربوط به اعتبار منبع است و تفاوت آنها در سبب اعتبار آنها است. بسیاری از محققان پس از شیخ بهایی مانند محمدتقی مجلسی (۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۸)، فیض کاشانی (۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۲)، شیخ حر عاملی (۱۴۱۴ق، ج ۳۰، ص ۱۹۹)، محدث بحرانی (۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۳۲۰) نیز به ذکر این قرائن پرداخته و آن را تأیید و تأکید کرده‌اند.

هر کدام از قرائن یادشده در گزارش شیخ بهایی نیازمند بررسی جامع داده‌های مربوط به خود است، تا بتوان تحلیل دقیقی از نظام ارزیابی قدما ارائه کرد. این نوشتار در نظر دارد با بررسی گزارش‌های موجود از عرضه کتب حدیثی بر امامان علیهم السلام در جوامع روایی و منابع رجالی، نگاهی به قرینه چهارم از قرائن پنجگانه داشته باشد و جایگاه آن را در نظام اعتبارسنجی متقدمین بنمایاند.

علی رغم اهمیت این موضوع در تاریخ حدیث شیعه و آثار آن در مباحث اعتبارسنجی روایات، پژوهش مستقلی منتشر نشده است که پدیده عرضه کتاب بر امام و حدود آن را بررسی کرده باشد. اما مطالعات مرتبط با این موضوع به دو دسته قابل تقسیم هستند. الف) دسته اول، به بررسی روایات عرضه یک کتاب خاص پرداخته‌اند: باقری (۱۳۹۴ش) به بررسی عرضه کتاب *إننا أنزلناه فی لیلة القدر* بر امام پرداخته و پاک‌دامن (۱۳۸۸ش) نیز عرضه کتاب *الکافی* بر امام عصر (عج) را بررسی کرده است. ب) دسته دوم، مطالعاتی هستند که در ضمن موضوع مرتبط به بحث عرضه کتاب بر امامان علیهم‌السلام پرداخته و فهرست و توضیحات مختصری از این موارد را ارائه کرده‌اند: باقری (۱۳۹۳ش) در مقاله‌ای تحت عنوان «منبع معتبر و نشانه‌های آن نزد محدثان مُتقدّم امامی»، مسعودی (۱۳۷۶)، ۱۳۷۷ش) در ضمن مقاله‌ای با عنوان «عرضه حدیث بر امامان علیهم‌السلام» در دو شماره به عرضه برخی کتب روایی بر امامان اشاره کرده است. این نوشتار می‌کوشد تا در حد بضاعت نویسندگان و گنجایش مقاله به تحلیل این پدیده بپردازد.

با توجه به اینکه عرضه کتب حدیثی در واقع گونه‌ای از «عرضه حدیث» تلقی می‌شود، لازم است پیش از ورود به بحث، مفهوم عرضه حدیث را در سنت حدیثی شیعه بررسی کنیم.

۲. مفهوم عرضه حدیث بر امام و انواع آن

تعبیر «عرض الحدیث» برگرفته از روایات و سنت حدیثی شیعه و اهل سنت است. در این بخش از مقاله نخست به معنای لغوی عرض می‌پردازیم و پس از آن بررسی خواهیم کرد که عرض الحدیث مورد بحث با عرض الحدیث مصطلح در باب طرق تحمل چه نسبتی دارد؟

ماده «ع-ر-ض» در استعمال مورد نظر این نوشتار با حرف جر «علی» متعدی می‌شود و به معنای «نشان دادن چیزی به شخصی» است. فیروزآبادی (۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۵۱۰) می‌نویسد: *عَرَضَ الشَّيْءَ عَلَيْهِ يَعْرضُهُ عَرْضاً: أَرَاهُ إِيَّاهُ*. این فعل دارای سه رکن است: عارض (عرضه کننده)، معروض (شیء عرضه شده) و معروضٌ علیه (کسی که آن شیء

بر او عرضه شده است). از این رو در عبارتی مانند: «عَرَضَ الراوی الحدیثَ علی الامام»، راوی، حدیث و امام به ترتیب: «عرضه کننده»، «معروض»، و «معروض علیه» هستند. ابن قوطیه (۱۹۹۳م، ص ۲۰) و به تبع او ابن حداد (۱۹۷۵م، ج ۱، ص ۲۲۷) در «کتاب الأفعال» خود معنای این فعل را زمانی که شیء معروض (عرضه شده) کتاب باشد به معنای «قرائت کردن بر معروض علیه» دانسته است: عرضت عليك الكتاب: قرائته. اما به نظر می‌رسد وی دچار خلط معنای لغوی و اصطلاحی شده است؛ زیرا «قرائت»، معنای وضعی «عرض» نیست، بلکه یکی از اصطلاحات سنت حدیثی و علم درایه است. درایه‌نگاران در مباحث طرق تحمل حدیث، «قرائت» را به عنوان دومین طریق اخذ و تحمّل حدیث نام برده و ذیل آن تصریح کرده‌اند که به «قرائت»، «عرض» هم اطلاق می‌شود از آن رو که شاگرد آنچه را که قرائت می‌کند (حدیث یا کتاب)، به استاد عرضه می‌کند (ابن‌الصلاح، ۱۴۱۹ق، ص ۳۱۸). به نظر نگارنده این خلط معنا متأثر از تخصص ابن قوطیه در علم حدیث است (برای آشنایی با شرح حال و زندگی علمی او ر.ک: ابن‌الفرضی، ۱۴۰۸ق، ص ۵۴۷). «عرض الحدیث» مورد بحث غیر از «عرض» مصطلح در باب طرق تحمل حدیث است. «عرض» به عنوان یکی از طرق تحمل، در واقع مقابله و نسخه‌خوانی میان استاد و شاگرد است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۷ق، ص ۳۹۲). به عنوان مثال اگر محدث کتابی را وجاده می‌کرد آن را بر شیخ عرضه می‌کرد؛ حال با قرائت بر شیخ و یا درخواست سَماع از امام بر اساس اصل خود شیخ و مقابله آن با نسخه وجاده‌ای تا از محتویات آن و تطابق آن با اصل شیخ مطمئن شود. بنابراین عرض احادیث و قرائت آنها ناظر به روش محدثان در برابر اساتید و مشایخ حدیثی است که برای احراز اصالت احادیث و خوانش صحیح آنها انجام می‌گرفت.

اما عرض الحدیث در نوشتار حاضر به معنای ارائه کردن حدیث به منابع معتبر برای دستیابی به متن واقعی حدیث، مدلول جدی و یا فهم بهتر آن است (طباطبائی، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۲۳۲). بر اساس مبانی اعتقادی فریقین، منابع معتبر و حدود آنها متفاوت است. از نگاه شیعه، امام معصوم یکی از این منابع معتبر محسوب می‌شود. از این رو روایان، روایاتی را که با مجموعه یافته‌های دین‌شناختی خود یا بدنه عمومی آموزه‌های

حدیثی مطابق نمی‌دیدند، به ویژه روایات همسو با جریان غلو، بر امامان و در مواردی بر اصحاب مورد اعتماد امامان عرضه می‌کردند.

۲-۱. تقسیم‌بندی انواع عرضه روایت بر امامان علیهم السلام

مطالعه منابع روایی و رجالی نشان می‌دهد که عرضه روایات بر اهل بیت علیهم السلام در اشکال و قالب‌های مختلفی صورت گرفته است. تقسیم‌بندی زیر را می‌توان برای انواع عرضه روایات بر امام پیشنهاد کرد:

۱- عرضه احادیث منفرد: به معنای ارائه یک یا چند حدیث به صورت جداگانه به امام علیه‌السلام برای بررسی و تأیید صحت، اصلاح یا تفسیر آن‌ها است. (برای عرضه احادیث منفرد ر.ک: مسعودی، ۱۳۷۶، ص ۲۹-۵۴؛ ۱۳۷۷، ص ۱۲۰-۱۶۹)

۲- عرضه کتب حدیثی که خود به دوشکل تقسیم می‌شود: الف) عرضه تفصیلی کتاب یا مصنف حدیثی خاص ب) عرضه اجمالی کتب و مصنفات حدیثی. همانطور که در مقدمه و بیان مسئله ذکر شد، موضوع نوشتار حاضر بررسی شکل دوم عرضه یعنی عرضه کتب حدیثی بر اهل بیت است. هر دو شکل این قسم را بررسی می‌کنیم:

۳. عرضه تفصیلی کتب حدیثی

عرضه تفصیلی کتاب به معنای ارائه یک کتاب حدیثی به صورت کامل به امام معصوم علیه‌السلام برای بررسی، تأیید، اصلاح و تفسیر آن است.

بر اساس کاوشی که در منابع روایی و رجالی صورت گرفت، کتاب‌هایی که به صورت تفصیلی بر امام عرضه شده‌اند شامل ۱۳ کتاب است که عرضه برخی از این موارد گزارش‌های متعددی را در برمی‌گیرد. از آنجایی که بررسی تفصیلی هر کدام از این موارد با همه گزارش‌های مربوطه در ضمن یک مقاله امکان‌پذیر نیست، به بررسی تعداد محدودی از گزارش‌ها و نکات مهم اکتفا می‌شود.

۳-۱. عرضه کتاب سلیم بن قیس هلالی

بررسی گزارش‌های عرضه این کتاب با پیش فرض وجود این شخص و خیالی و ساختگی نبودن آن (بابایی و فخلعی، ۱۳۸۵ش) و همچنین صحت انتساب کتاب به وی (قلیچ، ۱۳۹۰ش) است گرچه در همین گزارش‌ها نیز قرائنی در جهات مختلف مسئله وجود دارد. چهار گزارش از عرضه این کتاب در منابع موجود است:

۳-۱-۱. گزارش ابان بن ابی عیاش

مقدمهٔ تحریر فعلی کتاب سلیم که در سده ششم تنظیم شده است^۱، شامل سه بخش است که بخش سوم آن در واقع گزارشی از روند تنظیم کتاب سلیم و سپردن آن به ابان توسط خود سلیم و سپس سپردن آن به عمر بن اذینه است (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۲۳-۱۳۱).

خلاصه آنچه در این بخش آمده از این قرار است که ابان بن ابی عیاش در مخفیگاه سلیم بن قیس با او آشنا می‌شود و سلیم مجموعه احادیثش را به او واگذار می‌کند. پس از آن، ابان در سفری به بصره این مجموعه را بر «حسن بصری» عرضه می‌کند. پس از آن به حضور امام زین العابدین علیه السلام می‌شتابد و در مجلسی سه روزه که «ابوالطفیل» و «عمر بن ابی سلمه» نیز حاضر بودند، آن مجموعه را قرائت و عرضه می‌کند و هر سه نفر آن را تایید می‌کنند. در پایان مجلس، امام می‌فرماید: صَدَقَ سُلَيْمٌ، رحمه الله، هذا حدیثنا كله، نعرفه (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۸).

۳-۱-۲. گزارش کشی

بررسی گزارش (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۰۴) حاوی سه نکته است: ۱- با توجه به اینکه سه نفر اول رجال سند از افراد مجهول یا مهمل هستند، سند روایت ضعیف است؛ ۲- از مقایسه این گزارش با عبارات مقدمه کتاب سلیم روشن می‌شود که گزارش کشی از ابن اذینه در واقع تلخیصی از گزارش مقدمه کتاب باشد؛ ۳- گزارش کشی در دو موضع نیاز به تحقیق و تصحیح دارد: موضع اول مربوط به مرجع ضمیر فعل «قال» در عبارت «قال:

۱. شواهد تنظیم این مقدمه در مقالات مورد اشاره بیان شده است.

«هذا نسخة...» است. مصطفوی دو احتمال بیان می‌کند (طوسی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۰۴) که با توجه به مقدمه کتاب سلیم هر دو احتمال مردود است و مرجع ضمیر یقیناً «عمر بن اذینه» است و مقول قول تا انتهای گزارش را شامل می‌شود. موضع دیگر واژه «زعم» که در واقع تصحیف از «ذکر» است؛ تصحیفی که برای آشنایان به نسخ خطی، طبیعی است.

۳-۱-۳. گزارش شیخ طوسی در الغیبة

«وَأَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: هَذِهِ وَصِيَّةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع إِلَى الْحَسَنِ ع وَ هِيَ نُسْخَةُ كِتَابِ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ دَفَعَهَا إِلَى أَبَانَ وَ قَرَأَهَا عَلَيْهِ. قَالَ أَبَانُ: وَ قَرَأْتُهَا عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع. فَقَالَ: صَدَقَ سُلَيْمٌ رِجْمَهُ اللَّهُ...» (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۱۱۷).

این روایت مرسل است، اما نکته ویژه‌اش آن است که وصیت امیرالمؤمنین به تنهایی به عنوان متن «نسخه» سلیم قلمداد شده است. این نکته حاکی از آن است که گویا زمانی نسخه کتاب سلیم تنها شامل همین وصیت بوده و اصحاب آن را به عنوان کتاب سلیم روایت می‌کردند. عرضه این نسخه به امام سجاد علیه‌السلام و تأیید آن حضرت در این روایت گزارش شده است.

۳-۲. عرضه کتاب محمد بن قیس بجلی

گزارش این عرضه در فهرست شیخ و در ترجمه «عبید بن محمد بن قیس» آمده است. شیخ ابتدا کتابی را به عبید نسبت می‌دهد که وی آن را از پدرش محمد روایت می‌کند و در ادامه عرضه کتاب توسط پدر را گزارش می‌دهد:

«عبید بن محمد بن قیس البجلی، له کتاب یرویه عن أبیه، أخبرنا به جماعة عن التلعکبری هارون بن موسی، قال: حدثنا أبو جعفر محمد بن الحسين بن حفص الخثعمي، قال: حدثنا أبو سعيد عباد بن يعقوب الرواجني الأسدي، قال: أخبرنا عبید بن محمد بن قیس البجلي عن أبیه، قال: عرضنا هذا الكتاب على أبي جعفر محمد بن علي الباقر عليه السلام فقال هذا

قول أميرالمؤمنين عليه السلام إنه كان يقول إذا صلى قال في أول الصلاة و ذكر الكتاب» (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۰۸).

این گزارش را در چهار جنبه بررسی می‌کنیم:

۱. شیخ طوسی در ترجمه عبید، کتاب محمدبن قیس را به عبید نسبت داده و با عبارت «له کتاب یرویه عن أبیه» این انتساب را توضیح داده است. او همچنین این کتاب را از محمدبن قیس نقل می‌کند. علاوه بر عبید، شیخ طوسی همین روش را درباره عباس بن الولید، محمدبن یحیی و خلف بن عیسی نیز به کار برده است. این عملکرد ناشی از عدم دقت او نیست، زیرا دقت نظر وی در انتساب کتب در آثار رجالی اش مشهود است. به نظر می‌رسد «انتساب کتاب به طریق» به جای «انتساب کتاب به مؤلف»، در بین اصحاب سابقه داشته و معمول بوده است. شاهد این مدعا، اشاره شیخ در کتاب رجال به انتساب کتاب محمدبن ابی عمر الطیب به ظریف بن ناصح به دلیل قرار گرفتن او در طریق کتاب است. بنابراین، عبارت «له کتاب یرویه عن أبیه» هم به انتساب کتاب و هم به دلیل آن اشاره می‌کند و اشکالی در این عبارت نیست.

۲. طریق شیخ به کتاب از دو ناحیه مورد تردید است: محمدبن الحسین بن حفص و عبادبن یعقوب الرواجنی. زیرا شیخ طوسی و نجاشی این دو راوی را توثیق نکرده‌اند. از این رو برخی این طریق را تضعیف کرده‌اند (خوبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۶۴).

۳. سیغه جمع «عرضنا» حاکی از آن است که عرضه به صورت جمعی بوده است. به نظر می‌رسد علت آن اشتها و وفور نسخه‌های آن در دست اصحاب بوده باشد و جمعی از اصحاب به همراه محمدبن قیس کتاب را بر امام عرضه کرده باشند.

۴. محمدبن قیس کتاب را به خود نسبت نمی‌دهد، بلکه به «هذا الكتاب» تعبیر می‌کند. ظهور این تعبیر در آن است که این کتاب در اصل متعلق به خود محمدبن قیس نیست و کتاب عرضه شده کتاب معروفی بین علویان کوفه است. این احتمال مؤیداتی دارد که مجال بررسی آن در این مقاله نیست.

۳-۳. عرضه کتاب عبید الله بن علی حلبی

ابوعلی عبیدالله بن علی حلبی کوفی، بزرگ آل ابی‌شعبه و چهره معتبر آنان است (نجاشی، ۱۴۲۴ق، ص ۲۳۰-۲۳۱). برجستگی و شهرت وی به خاطر تألیف کتابی به نام «الجامع» یا «الکتاب» است که به عنوان نخستین تصنیف فقهی در میان شیعیان شناخته می‌شود (برقی، ۱۴۳۰ق، ص ۱۵۴). قبل از او کتابی در قالب تصنیف یعنی به صورت میوَّب در میان اصحاب تدوین نشده بود.

بر اساس فحص نگارنده، اصالت و صحت محتوای این کتاب تا پیش از دوران معاصر مورد تردید کسی نبود، اما برخی از پژوهش‌گران معاصر، اصالت و صحت محتوایی آن را با ابهاماتی همراه می‌بینند (بهبودی، ۱۳۶۲ش، ص ۳۶۷؛ معارف و رشیدی، ۱۳۹۱ش) که این ابهامات عموماً ناشی از تفسیر ناصحیح عبارات منابع رجالی در مورد این کتاب است (مفید، ۱۳۹۸ش، ص ۱۳۴-۱۶۴).

گزارش عرضه این کتاب را شیخ طوسی و نجاشی در فهرستشان نقل کرده‌اند که تنها به بررسی گزارش شیخ می‌پردازیم.

۳-۳-۱. گزارش شیخ طوسی

عبید الله بن علی الحلبي، له كتاب، مصنف معمول / معول عليه، و قيل إنه عرض علي الصادق عليه السلام. فلما رآه استحسنه و قال ليس لهؤلاء (يعني المخالفين) مثله (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۰۶).

بررسی گزارش:

الف) بهبودی در معرفة الحديث عبارت شیخ را اینگونه تفسیر کرده است: «و صرح الطوسی بأن کتابه معمول علیه: عمل باسمه دون أن يكون الكتاب له» (بهبودی، ۱۳۶۲ش، ص ۳۶۷). وی نسخه «معمول علیه» را برگزیده و این تعبیر را به معنای «جعل شده به اسم او» دانسته است. معنایی که ایشان بر اساس این نسخه استظهار کرده گرچه موافق با لغت است، زیرا معمولاً وقتی وصف یا مسندالیه «کتاب» قرار بگیرد به معنای «تألیف» خواهد بود، اما اشکالاتی را به همراه دارد: **اول** آنکه لازمه این معنا تأویل حرف جرّ «علی» به حرف «باء» و همچنین حذف مضاف یعنی «اسم» است (معمول علیه = معمول باسمه) و هر دو

خلاف اصل است؛ زیرا اصل بر عدم تأویل و اخذ معنای ظاهر است. **دوم** اینکه با چشم‌پوشی از اشکال اول این معنا با عبارت پیشین شیخ - یعنی «له کتاب» - در تناقض است. زیرا با فرض این معنا باید گفت که شیخ ابتدا با تعبیر «له کتاب» به نحو قطعی کتابی را به عبیدالله نسبت می‌دهد، سپس همین کتاب را بر ساخته به نام او اعلام می‌کند. بنابراین استظهار این معنا از عبارت شیخ بسیار دور از ذهن و تکلف آمیز است. گذشته از این، باید تذکر داد که بر فرض پذیرش نسخه «معمول علیه»، این تعبیر در ادبیات اعتبارسنجی حدیث‌شناسان، تعبیر شایعی است. شیخ طوسی پس از ذکر نام و نسب عبیدالله بحث فهرستی خود را با اصالت کتاب (= له کتاب) شروع می‌کند سپس اعتبار کتاب را در میان اصحاب با عبارت «معمول علیه» بیان می‌کند. توضیح اینکه این تعبیر زمانی که وصف کتاب یا خبر قرار می‌گیرد به این معنا است که آن کتاب یا خبر مورد عمل و پذیرش اصحاب بوده است و آنها کتاب یا خبر مورد نظر را معتبر می‌شمردند.

ب) شیخ طوسی پس از بیان اعتبار کتاب عبیدالله حلبی، عرضه آن را بر امام صادق علیه‌السلام با تعبیر «قیل» گزارش می‌کند. برخی با استناد به این تعبیر، در عرضه کتاب تردید کرده‌اند، زیرا «قیل» به عنوان قول ضعیف معنا می‌شود. اما این استدلال پذیرفته نیست؛ زیرا استعمال «قیل» در قول ضعیف به صورت موجه کلیه نیست. به گفته بلاغیون گاهی غرض متکلم تنها به مقول قول تعلق می‌گیرد و توجهی به قائل ندارد. حال با توجه به اینکه شیخ طوسی در *الفهرست* در مقام گردآوری اطلاعات فهرستی اصحاب است نه ارزش‌گذاری اقوال، به نظر می‌رسد وی در عبارت مذکور، در مقام تشکیک در جریان عرضه کتاب بر امام نیست، بلکه صرفاً در مقام گزارش این جریان است.

ج) ضمیر «هؤلاء» در عبارت «لیس لهؤلاء مثله» اشاره به عامه است و مراد امام، آن است که عامه کتابی مدوّن و مبوب مانند کتاب عبیدالله ندارند، نه این که هیچ کتابی نزد آنان نیست. به تعبیر مرحوم بروجردی کتاب عبیدالله حاوی یک دوره فقه است و این دوره فقهی پیش از *الموطأ* ابن مالک تدوین شده است (منتظری، ۱۴۱۶ق، ص ۱۱۷). از این رو وقتی که کتاب بر امام صادق علیه‌السلام عرضه می‌شود امام این تعبیر را در تقدیر و تأیید کتاب بیان می‌کنند.

۳-۴. عرضه «کتاب الدیات» یا «کتاب الفرائض» بر اهل بیت علیهم السلام

کتاب الدیات که به کتاب یا اصل ظریف شهرت دارد و در مسائل دیات بسیار به آن استناد می‌شود، از آثار گرانقدر حدیثی - حکومتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام است که بر اهل بیت علیهم‌السلام عرضه شده است و ایشان کتاب را تأیید کرده و استناد آن به امیرالمؤمنین علیه‌السلام را تقریر فرموده‌اند. این اصل را مشایخ سه‌گانه در جوامع روایی خود: کافی، فقیه و تهذیب، روایت کرده‌اند.

گزارش‌های متعددی از عرضه این کتاب با عناوین مختلف و از طرق متعدد نقل شده است. نتایج بررسی این گزارش‌ها به شرح زیر است:

۱- کتاب الدیات توسط چهار راوی (یونس بن عبدالرحمن (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۷، صص ۳۱۱، ۳۲۴، ۳۳۰)، علی بن فضال، حسن بن جهم (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۷، ص ۳۲۴) و عبدالله بن ابجر (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۷، صص ۳۲۴ و ۳۳۰) و بر دو امام (امام صادق و امام رضا علیهما السلام) عرضه شده است.

۲- اسناد روایات همگی صحیح است.

۳- با توجه به دفعات عرضه و اعتبار گزارش‌ها این کتاب در میان کتب معروضه جایگاه ویژه‌ای دارد.

۴- طبق گزارش‌ها از این کتاب با پنج عنوان یاد شده است که هر کدام جهتی دارد: ۱- «کتاب الدیات» به جهت اشمالش بر احکام دیات؛ ۲- «کتاب الفرائض» به جهت بیان فرائض دیه (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۷، ص ۳۶۳)؛ ۳- «کتاب عبدالله بن ابجر» به جهت عرضه کتاب توسط وی بر امام صادق علیه‌السلام؛ ۴- «کتاب ظریف بن ناصح» به جهت قرار گرفتن وی در طریق نقل کتاب؛ ۵- «کتاب علی» (طوسی، ۱۳۶۴ش، ج ۱۰، ص ۲۹۲) به جهت صدور انتساب روایات به امیرالمؤمنین علیه‌السلام.

۵- با توجه به صحت اسناد عرضه، اعتبار روایات کتاب ثابت است.

۳-۵- عرضه «کتاب یوم وليلة» تألیف یونس بن عبدالرحمن

در تراث اسلامی مصنفاتی با عنوان «کتاب یوم و لیلۃ» یا «کتاب عمل الیوم و اللیلۃ» (برای مشاهده فهرستی از این آثار ر.ک: طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲۵، ص ۳۰۴) و مانند آن توسط راویان و محدثان فریقین تألیف شده است که موضوع این دست از آثار، اعمال و اذکار شبانه روز یک مسلمان است که در قالب روایات ارائه شده است.

کتاب مورد عرضه از نگاهشته‌های یونس بن عبدالرحمن است. در مورد عرضه «کتاب یوم وليلة» یونس سه گزارش در رجال کشی و یک گزارش در رجال نجاشی وجود دارد. حاصل بررسی گزارش‌ها به صورت زیر است:

۱- این کتاب چهار بار توسط سه راوی (داود بن قاسم، احمد بن ابی‌خلف و حسن بن فضال) بر سه امام (امامین عسکریین و امام جواد علیه‌السلام عرضه شده است.

۲- کتاب «یوم و لیلۃ» تألیف یونس بن عبدالرحمن، از کتب معروف و متداول میان اصحاب ائمه علیه‌السلام بوده است که تداول و رواج آن از تعداد عرضه‌ها و شواهد داخلی متن اثبات می‌شود.

۳- ائمه علیه‌السلام نسبت به این کتاب اهتمام زیادی داشتند که از مطالعه صفحه به صفحه آن توسط امام بدون درخواست راوی و عباراتی همچون ترجم بر یونس و تأیید کل کتاب، مشهود است.

۴- اسناد گزارش عرضه بر اساس مبنای توسعه در قرائن توثیق، همگی صحیح هستند. اما بر مبنای عدم توسعه، تنها دو سند آخر صحیح خواهند بود.

۵- با توجه به اسناد گزارش عرضه، عرضه و تأیید کتاب «یوم و لیلۃ» یونس ثابت است. این امر در نگاه نخست، عرضه را در اعتبارسنجی احادیث ارزشمند می‌کند؛ زیرا صرف روایت از یونس دلیل بر صحت خواهد بود. اما از آنجا که یونس آثار متعددی دارد، صرف روایت از او دلیل بر صحت نیست، هر چند راویان سند تا او ثقة باشند. بنابراین تنها در صورتی صحیح خواهد بود که اثبات شود روایت از کتاب «یوم و لیلۃ» است. این امر نیازمند شواهد و قرائن محکمی است که در تراث روایی موجود نیست.

۳-۶. عرضه «کتاب یوم وليلة» تألیف ابن خانبه

ابوجعفر احمد بن عبدالله بن مهران معروف به «ابن خانبه» از روایان امامی مذهب و در طبقه روایان امام رضا علیه السلام است. خاندان «ابن خانبه» از جمله بیوت حدیثی بزرگ شیعی هستند. وی از شاگردان یونس است (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۸۳۷؛ حلی، ۱۴۰۲ق، ص ۱۵).

۳-۶-۱- بررسی گزارش‌های عرضه کتاب ابن خانبه

در مورد عرضه کتاب ابن خانبه دو گزارش در *فلاح السائل* سیدابن طاووس نقل شده است. وی این گزارش‌ها را در دو موضع مختلف کتاب نقل کرده است (حلی، ۱۴۰۶ق، صص ۱۸۳ و ۲۸۹).

راوی عرضه در گزارش اول سعد بن عبدالله الاشعری است و عرضه به امام عسکری علیه السلام صورت گرفته است. اما راوی عرضه در گزارش دوم خود احمد بن خانبه است و عرضه به امام هادی علیه السلام صورت گرفته است.

بهبودی در تعلیقات خود بر *بحار الانوار* با توجه به تاریخ وفات ابن خانبه (۲۳۴ق)، امکان عرضه کتاب توسط خود ابن خانبه به امام عسکری علیه السلام را نامعقول می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۴، ص ۲۹۱). با توجه به اینکه ابن خانبه مربوط به طبقه روات امام رضاعلیه السلام است اصل اشکال ایشان پذیرفته است؛ اما بر اساس جستجوی نگارنده، سال وفات ابن خانبه در منابع رجالی و تراجم یاد نشده است.

محتمل‌ترین راه تصحیح این روایت این است که اصل عرضه و تایید امام به اندازه‌ای در میان شیعه شهرت داشته که ارسال مسلم تلقی شده است به گونه‌ای که سعد بن عبدالله الاشعری (۳۰۱ق) یا یکی از روات، چنین تصور کرده که خود ابن خانبه کتاب را بر امام عسکری علیه السلام عرضه کرده است. بنابراین اصل گزارش عرضه صحیح است و احتمال روایت سعد بدون علم با جلالت قدر وی و مقام فقاہتش همخوانی ندارد.

قرائن صحت این احتمال این است که طبق گزارش کشی، ابن خانبه کاتب و از شاگردان و دست‌پرورده‌های یونس بن عبدالرحمن بوده است و بعد از توبه و انصراف از

اشتغال در دستگاه ظلم، با توجه به تخصصی که در کتابت داشته، یونس را در تصنیف^۱ کتب یاری می‌دهد و از آنجایی که تألیف ادعیه این کتاب و ترتیب فصول و ابواب آن از ابن‌خانیه بوده و از طرفی اصل انشاء، املاء و روایت احادیث و فتاوی آن از یونس و تحت اشراف او بوده است، این کتاب گاهی به استاد و گاهی به شاگرد انتساب داده می‌شد. به ویژه این که چون این کتاب با توجه به نوع موضوعش در بین عامه مردم رایج شد و بین متعبدین اشتهار پیدا کرد دیگر انگیزه‌ای برای تحقیق و تفحص از حیث صحت انتساب وجود نداشت. دلیل این اشتهار، گزارشی است که نجاشی ذیل عنوان محمدبن‌احمد فرزند ابن‌خانیه نقل کرده است که: «أخبرنا أبو العباس بن نوح قال: حدثنا الصفواني قال: حدثنا الحسن بن محمد بن الوجداء أبو محمد النصیبی قال: كتبنا إلى أبي محمد [عليه السلام]، نسأله أن يكتب أو يخرج إلينا كتاباً نعمل به (يعمل به)، فأخرج إلينا كتاب عمل قال الصفواني: نسخة، فقابل به كتاب ابن‌خانبة زيادة حروف أو نقصان حروف يسيرة».

از این گزارش چنین استنباط می‌شود کتابی که نزد امام علیه‌السلام و خواص اصحاب بوده، انتساب به یونس داشته است و کتابی که در دست عامه مردم و متأخرین بود انتساب به ابن‌خانیه، شاگرد یونس، داشته است و زمانی که این دو نسخه را با هم مقابله کردند جز در موارد بسیار جزئی اختلافی مشاهده نکردند و این مقدار اختلاف در استنساخ، طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است.

این تحلیل به قرینه اشتهار کتاب یونس در نزد ائمه علیهم‌السلام نیز تایید می‌شود و ما در بخش پیشین، حاصل بررسی روایات دالّ بر این اشتهار را که همان روایات عرضه کتاب یونس به ائمه علیهم‌السلام است گزارش کردیم. در هر صورت چه این کتاب تألیف استاد باشد یا شاگرد، اصل عرضه این کتاب لااقل به واسطه گزارش دوم ثابت است و این با هدفی که در پژوهش حاضر آن را دنبال می‌کنیم مطابقت دارد.

^۱ تصنیف به این معنا که نگارنده صرفاً روایت نقل نمی‌کند، بلکه اضافات و تصرفاتی در نگارش انجام می‌دهد و حتی ممکن است آنها را به معصوم نیز نسبت دهد. از جمله این مصنفات کتاب *التأديب* یا *کتاب عمل الیوم و اللیلة* است.

۷-۳. عرضه کتاب الصلاة حریر

یکی از مشهورترین نگاشته‌های حدیثی شیعه در عصر حضور، «کتاب الصلاة» حریربن عبدالله سجستانی است. نجاشی در ترجمه حریر دو تحریر (مفصل و مختصر) برای این عنوان، گزارش می‌کند و فرایند انتقال تحریر مفصل را از حریر تا به خود ذکر می‌کند که در همه طبقات به روش «قرائت - سماع» بوده است (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۱۴۴).

روایت عرضه این کتاب را مشایخ ثلاثه در کافی (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۳، ص ۳۱۱)، من لایحضر الفقیه (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۰۰) و تهذیب (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۸۱) با اختلافاتی در متن نقل کرده‌اند (برای نمونه ر.ک: عاملی ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۶۵):

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَوْمًا يَا حَمَادُ تُحْسِنُ أَنْ تُصَلِّيَ؟! قَالَ: فَقُلْتُ: يَا سَيِّدِي أَنَا أَحْفَظُ كِتَابَ حَرِيرٍ فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ: «لَا عَلَيْكَ يَا حَمَادُ قُمْ فَصَلِّ...» الحديث (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۳، ص ۳۱۱).

الف) بررسی سندی روایت:

شیخ صدوق طرق متعددی را در مشیخه به حمادبن عیسی ذکر کرده است. طریق اول را در ذیل طریق خود به زرارة بن اعین و با همان سند ذکر کرده است (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۴۵۷) و طریق دوم و سوم را ذیل حماد ذکر کرده است (همان، ج ۴، ص ۴۵۷) همه طرق یاد شده از دیدگاه متأخرین معتبرند (برای نمونه ن.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۱، ص ۸۶). طریق مرحوم کلینی به حماد نیز معتبر است و شیخ طوسی روایت را از کلینی نقل کرده است.

ب) بررسی دلالت روایت بر عرضه و تأیید امام:

عبارت «تُحْسِنُ أَنْ تُصَلِّيَ؟» در کلام امام، با توجه به کتب لغت (برای نمونه ر.ک: فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۰۰) یعنی: «أتعلم أن تصلي؟»: آیا علم به افعال نماز داری؟ (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۶). حماد در پاسخ امام، به حفظ بودن کتاب صلات حریر اشاره می‌کند که در آن زمان کتاب معروفی بین اصحاب بوده است. این عبارت حماد در واقع عرضه کتاب صلات حریر بر امام است که حماد آن را کاملا در حافظه خود دارد. امام صادق علیه السلام در پاسخ حماد فرمودند: «لَا عَلَيْكَ يَا حَمَادُ قُمْ فَصَلِّ...». علامه مجلسی

در مورد معنای این عبارت نوشته است: «قوله عليه السلام: لا عليك، أي لا بأس عليك في العمل بكتابه، أو في القيام والصلاة، أو ليس عليك العمل بكتابه؛ إذ يجب عليك الاستعلام منِّي، كذا أفيد» (مجلسی ۱۴۰۴ق، ج ۱۵، ص ۱۰۱). به نظر نگارنده ظهور عبارت در همان احتمال اول است. اما فارغ از همه احتمالات آنچه که مهم است عدم منع امام از عمل به کتاب است که در حقیقت تقریر و تأیید این کتاب از آن استفاده می‌شود. مجلسی اول در شرح این عبارت نوشته است: «یفهم من عدم منعه عليه السلام عن العمل به جواز العمل به لأنه لو كان فيه باطل لمنعه عن العمل» (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۶۲).

۳-۷-۱. بررسی ادعای جعل روایت حماد:

یکی از نمونه‌های اخباری که بهبودی در کتاب *معرفة/الحديث* در مقام اشکال بر روش اعتبارسنجی متأخرین بررسی و حکم به مجعول بودن آن کرده است، همین روایت حماد بن عیسی است. ادعای وی این است که بررسی سند و متن روایت حماد بر اساس روش قدما نشان می‌دهد که این روایت از مجعولات است و دلایل زیر را بر این ادعا برمی‌شمارد: ۱- تعداد روایات: نجاشی نقل کرده که حماد تنها بیست روایت از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده است، از طرفی این روایات در *قرب/الاسناد* حمیری نقل شده که روایت مورد بحث در میان این بیست روایت نیست؛ ۲- سن حماد: کشی نقل کرده که حماد در سال ۲۰۹ق و در سن بیش از هفتاد سالگی وفات یافت. بنابراین، در زمان وفات امام صادق علیه‌السلام (۱۴۸ق) تنها سیزده سال داشته و بعید است امام نوجوان سیزده ساله را با عبارت «ما أفبح بالرجل أن يأتي عليه ستون سنة أو سبعون سنة...» مخاطب قرار دهد؛ ۳- تناقض در پذیرش نماز: امام نماز حماد را که بر اساس کتاب *حریز* حفظ کرده بود، قبول نکرد، در حالی که آموزه‌های کتاب *حریز* همان‌هایی است که امام به حماد تعلیم داده است.

۳-۷-۲. بررسی دلایل بهبودی بر مجعول بودن روایت حماد:

الف) در بررسی دلیل اول باید گفت اولاً نقل نجاشی از حماد مبنی بر اقتصار به ۲۰ حدیث، نقل مرسل و غیر معتبر است. البته کشی ذیل رقم ۵۷۱ آن را به صورت مسند نقل می‌کند، اما صدور این کلام از حماد در زمان حیات امام صادق علیه‌السلام عادتاً بعید است، بلکه قطعاً بعد از وفات ایشان بوده است. زیرا محمد بن عیسی ناقل کلام حماد، زمان

امام صادق علیه‌السلام را درک نکرده است. به هر حال از این روایت بر نمی‌آید که حماد بیش از بیست حدیث از ابو عبدالله علیه‌السلام نقل نکرده باشد. زیرا احتمال دارد همه ۷۰ حدیث را قبل از شک در آنها روایت کرده باشد. به عبارت دیگر حماد سه دوره زمانی دارد: ۱. زمان تلقی از امام، که مدت آن معلوم نیست؛ ۲. زمان شک، که نمی‌دانیم آیا در زمان امام صادق علیه‌السلام بود یا بعد از آن؟ و ۳. زمان اکتفا به نقل بیست حدیث. آن مقدار متیقن از نقل کشی این است که حماد بیش از ۷۰ حدیث از امام صادق علیه‌السلام نقل نکرده است؛ پس در مقدار زاید بر ۷۰ به جعل یا حذف واسطه باید حکم شود. اما اینکه وی بیش از ۲۰ حدیث از امام صادق علیه‌السلام نقل نکرده است، راهی برای اثبات آن نداریم مگر اینکه بنا را بر اتحاد این سه زمان، یعنی زمان تلقی و شک و اکتفا، بگذاریم که اشکال آن واضح است. ثانیاً بر فرض صحت استدلال ایشان، متعین بودن احادیث حماد در این ۲۰ حدیث منوط بر این است که قرب/الاسناد موجود به لحاظ فهرستی اشکالی نداشته باشد، درحالی که نسخه قرب/الاسناد با سند معتبری به دست علامه مجلسی و شیخ حر عاملی نرسیده است تا بتوان این تعیین را پذیرفت.

ب) پاسخ به دلیل دوم اینکه عبارت نجاشی در تعیین سن حماد به این صورت است: «وله نیف و تسعون سنة» اما عبارت کشی «نیف و سبعون» است. لکن ترجیح با نسخه نجاشی است؛ زیرا کشی، حماد را از فقهای اصحاب امام صادق علیه‌السلام شمرده است و بسیار بعید است که به یک نوجوان غیر بالغ، اطلاق فقیه شود. از طرفی مدلول واژه «نیف» عددی زیر ده است و یا بنابر قول دیگر «نیف» یک تا سه و «بضع» از چهار تا نه است. بر فرض صحت قول دوم، عمر حماد ۹۱ تا ۹۳ خواهد بود. حال اگر سال وفات وی طبق نقل کشی و نجاشی سال ۲۰۹ ق باشد ولادت او ۱۱۴ تا ۱۱۶ خواهد بود و با توجه به سال شهادت امام صادق علیه‌السلام (۱۴۸ق) نتیجه می‌گیریم که سن حماد ۲۹ تا ۳۲ است. و اطلاق فقیه بر چنین شخصی عادی است.

نکته دیگر اینکه در «ما أقبح بالرجل (منکم)» آن تأتی علیه ستون سنة أو سبعون سنة...» با توجه به عبارت «منکم» منظور امام از کسی که شصت یا هفتاد سال عمر کند، خود حماد نیست، بلکه یک عتاب کلی است که چقدر زشت است که «الرجل منکم» یعنی

شخصی از شما این مقدار عمر کند و نمازش با این کیفیت باشد. زیرا کسی که در ایام جوانی و فراغت فرائض خود را نیاموزد، نمازش تا آخر عمر باطل یا ناقص خواهد بود و این در واقع بیان یک قاعده و حقیقت است.

ج) اشکال به دلیل سوم این که صحت این دلیل منوط به این است که حماد تمام محفوظات خود از کتاب حریز را در مقام عمل پیاده کرده باشد. در حالی که تطبیق تمام محفوظات حماد با نمازی که به جا آورده است از روایت استفاده نمی‌شود. بر فرض تطبیق کامل، این احتمال وجود دارد که کتاب مورد حفظ حماد کتاب صغیر حریز بوده باشد نه کتاب کبیر وی. (ر.ک: میراث مکتوب شیعه ص ۳۰۷)

بنابراین هیچکدام از دلایل سه‌گانه جعلی بودن روایت حماد به سادگی قابل اثبات نیست.

۳-۸. عرضه صحیفه زهد به امام سجاد علیه‌السلام

عرضه صحیفه زهد را کلینی با سه طریق صحیح (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۸، ص ۱۴)، روایت کرده است. ابن شعبه حرّانی نیز حدیث را در *تحف العقول* در بخش سخنان امام سجاد علیه‌السلام نقل کرده است (حرّانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۷۸).

طبق روایت، ابو حمزه ثمالی صحیفه‌ای با موضوع زهد که مشتمل بر سخنی از امام سجاد علیه‌السلام را بر آن حضرت عرضه کرده و اما امام علیه‌السلام نیز صدور آن را تأیید فرمودند.

۴- عرضه اجمالی کتاب‌های حدیثی بر اهل بیت علیهم‌السلام:

عرضه اجمالی کتب حدیثی بر اهل بیت علیهم‌السلام در مقابل عرضه تفصیلی، فرآیندی بود که در آن مجموعه کتب و آثار حدیثی راویان، به طور کلی و اجمالی و نه تفصیلی، بر امامان عرضه می‌شد تا محتوای آنها تأیید و اعتبار یابد. مصداق این کتاب‌ها برای ما روشن نیست و به صورت عنوانی کلی مورد تأیید یا رد قرار گرفته‌اند. سه گزارش از نوع عرضه اجمالی در منابع روایی و رجالی وجود دارد:

۴-۱. عرضه کتب بنوفضال

یکی از بزرگترین مجموعه‌هایی که به شکل اجمالی و کلی بر اهل بیت عرضه شد، مجموعه کتاب‌های بنوفضال است. بنوفضال، از بیوتات بزرگ حدیثی شیعه است که راویان مشهوری در میان آنان پدید آمد. آنان در امامت امام کاظم علیه‌السلام، تشکیک کردند و معتقد به امامت عبدالله افطح شدند. از این رو صحت روایات و کتاب‌هایشان مورد تردید شیعیان قرار گرفت و این درحالی بود که کتب بنوفضال در میان شیعیان رایج بود. این تردید همگانی سبب شد که شیعیان به امام حسن عسکری علیه‌السلام مراجعه کنند و از صحت این کتاب‌ها جويا شوند: کیف نعمل بکتبهم و بیوتنا منها ملا؟ فقال صلوات الله علیه: خذوا بما رووا و ذروا ما دروا (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۸۹).

۴-۲. عرضه کتب مشایخ محمدبن حسن بن ابی خالد

راوی عرضه کننده این مجموعه که تأیید کلی امام جواد علیه‌السلام را برای کتاب‌های شیعه به همراه دارد، محمدبن حسن بن ابی خالد، مشهور به شنبوله (یا شینوله) (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۲۰۰) از اشعریان قم است که به امام عرضه می‌دارد: «جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّ مَشَايَحَنَا رَوَوْا عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ كَانَتْ التَّقِيَّةَ شَدِيدَةً فَكَتَمُوا كُتُبَهُمْ وَ لَمْ تُرَوْ عَنْهُمْ فَلَمَّا مَاتُوا صَارَتْ الْكُتُبُ إِلَيْنَا فَقَالَ حَدِّثُوا بِهَا فَإِنَّهَا حَقٌّ (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۵۳)، درپی تأیید صحت انتساب احادیث این کتاب به صادقین علیه‌السلام، محمدبن حسن، کتاب‌های متعددی را نقل می‌کند که نجاشی و شیخ طوسی، مواردی از روایت این کتاب‌ها توسط او را گزارش کرده‌اند (نجاشی، ۱۴۲۴ق، صص ۱۰۴، ۲۵۹ و ۱۷۴، ۴۵۸؛ طوسی، ۱۴۲۰ق، صص ۳۸، ۱۰۹، ۷۳، ۲۹۸، ۷۶، ۳۰۷).

بررسی سند روایت: سند تنها از ناحیه شینوله مورد مناقشه است. در تشیع وی

شکی نیست (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۲۰۱)، اما در وثاقت او اختلاف وجود دارد؛ به نظر نگارنده اکثر اشخاص ثقه و عظیم القدری مانند احمدبن محمدبن عیسی دلالت بر اهتمام او بر روایت از این شخص دارد و این نوع اکثر حداقل می‌تواند کاشف از حسن حال مروی

عنه باشد و حتی در بعض موارد کاشف از وثاقت و جلالت وی است و اکثر اشعری از شینوله از این موارد است.

بنابراین رجال سند توثیق می‌شوند، لکن باز قیودی قطعی در میان است که مانع از قول به عدم نیاز به بررسی اسناد کتب اصحاب به استناد این روایت است.

۳-۴. عرضه مجموعه‌های حدیثی بر امام رضا علیه‌السلام

راوی عرضه‌کننده این مجموعه‌ها یونس بن عبدالرحمن است. وی احادیث و کتب اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام را بر امام عرضه می‌کند و حضرت نسبت بسیاری از احادیث را به امام صادق علیه‌السلام انکار کردند و فرمودند: ابوظاب بر امام صادق علیه‌السلام دروغ بسته است. خدا او را لعنت کند و تا امروز نیز اصحاب ابوظاب این احادیث باطل را مخفیانه در کتاب‌های اصحاب امام صادق علیه‌السلام وارد می‌کنند (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۸۹).

۵- جمع‌بندی و تحلیل مجموع روایات عرضه کتب حدیثی

مطالب گفته شده در دو بخش زیر قابل جمع‌بندی است:

۵-۱. تداوم و رواج عرضه کتب بر اهل بیت علیهم‌السلام در دوران امامت:

بررسی دلایل

با وجود اینکه تعداد کتاب‌های عرضه شده بر اهل بیت علیهم‌السلام محدود و در مقایسه با آثار فهرست شده از اصحاب بسیار اندک است، لکن نمی‌توان قلت تعداد را دلیل بر این قلمداد کرد که عرضه کتاب بر اهل بیت علیهم‌السلام یک جریان مستمر و دائمی نبوده است. دلایل این امر عبارتند از: ۱- گزارش‌های موجود مربوط به دوره‌های مختلف امامت از امام سجاد تا امام عسکری علیهما السلام هستند. این گستره تاریخی حاکی از آن است که عرضه کتب در طول دوران امامت رواج داشته است؛ ۲- عرضه کتب توسط افراد و گروه‌های مختلف شیعی نشان از رواج و استمرار این امر در میان شیعیان دارد؛ ۳- تنوع موضوعی کتب عرضه شده مانند دعا، فقه و تفسیر نیز رواج و استمرار عرضه کتب را تأیید

می‌کند؛ ۴- کمبود گزارش‌های عرضه می‌تواند ناشی از عدم ضبط و نقل کامل این گزارش‌ها در گذشته یا از دست رفتن بسیاری از آنها در گذر زمان باشد، نه لزوماً نشانه عدم رواج و استمرار عرضه کتب.

۵-۲. اهتمام قدما به این روش در اعتبارسنجی احادیث

علی‌رغم ضعف سند برخی از روایات عرضه، می‌توان از این روایات این استفاده تاریخی را کرد که گزارش شیخ بهایی از بهره‌گیری قدما از این قرینه مورد تأیید است. این روایات نشانگر اهتمام قدما در احراز تأیید، تصحیح یا رد مجموعه‌های روایی توسط امام است. چنین تأییدی از امام به عنوان یکی از معتبرترین شواهد برای صحت احادیث موجود در کتاب بهره گرفته می‌شد.

از این رو، عرضه کتاب بر امام و تأیید آن به عنوان یکی از معیارهای مهم و قابل اعتماد در نظام اعتبارسنجی حدیث در میان محدثان متقدم امامی شناخته می‌شده است، که از طریق آن، صحت و اعتبار احادیث مورد ارزیابی قرار می‌گرفت.

۵-۳. مشکلات فرارو در عصر حاضر برای استفاده از معیار عرضه کتاب بر

امام در اعتبارسنجی احادیث

الف) تعدد نسخه‌های یک کتاب و پراکندگی آنها در بلاد مسلمین: تعدد

نسخه‌های یک کتاب و پراکندگی آنها در بلاد مسلمین می‌تواند به دلایل زیر مشکلاتی را برای استفاده از معیار «عرضه کتاب بر ائمه» در اعتبارسنجی روایات در عصر حاضر ایجاد کند:

۱. عدم اطمینان از نسخه عرضه شده بر امام علیه‌السلام: با وجود نسخه‌های

متعدد از یک کتاب، نمی‌توان با قطعیت گفت که کدام نسخه دقیقاً بر امام علیه‌السلام عرضه شده است. این امر اعتبار نسخه مورد استناد را زیر سوال می‌برد.

۲. **احتمال تحریف یا جعل در نسخه‌های پراکنده:** نسخه‌های پراکنده در میان مردم، بیشتر در معرض تحریف، جعل یا اشتباه در نسخه برداری قرار داشته‌اند. بنابراین استناد به این نسخه‌ها برای اعتبارسنجی با ابهام مواجه می‌شود.

۳. **عدم دسترسی به نسخه اصلی عرضه شده:** در اغلب موارد، نسخه اصلی کتابی که بر امام علیه‌السلام عرضه شده از دست رفته و در دسترس نیست. این امر مقایسه نسخه‌های موجود با نسخه اصلی عرضه شده را غیرممکن می‌سازد.

۴. **اختلاف در محتوای نسخه‌های مختلف:** با توجه به تعدد نسخه‌ها، احتمال اختلاف در محتوا و متن نسخه‌های مختلف یک کتاب وجود دارد. این اختلاف می‌تواند اعتبار نسخه مورد استناد را تضعیف کند.

۵. **عدم اطمینان از تأیید یا رد امام علیه‌السلام نسبت به کل کتاب:** در گزارش‌های عرضه، گاه مشخص نیست که تأیید یا رد امام علیه‌السلام شامل تمام محتوای کتاب می‌شده یا فقط بخشی از آن؟ تعدد نسخه‌ها این ابهام را تشدید می‌کند.

بنابراین، تعدد نسخه‌ها و پراکندگی آنها در میان مردم، یکی از مشکلات اساسی در به‌کارگیری معیار «عرضه کتاب بر امام» برای اعتبارسنجی روایات در عصر حاضر است. این امر لزوم بررسی دقیق سندی و متنی گزارش‌های عرضه و تطبیق آنها با نسخه‌های موجود را ایجاب می‌کند تا بتوان از این معیار به درستی آن بهره برد.

ب) فقدان بسیاری از کتاب‌های عرضه شده: یکی دیگر از مشکلات فراروی ما در کاربست این معیار این است که اغلب کتب عرضه شده وجود ندارند. اما می‌توان از جوامع حدیثی موجود آنها را بازبازی نمود و بدون توجه به ضعف راویان سلسله اسناد، آنها را پذیرفت.

مرحوم محمد تقی مجلسی در *روضة المتقین* از این شیوه بهره جسته است و در مواردی با تشخیص اخذ حدیث از کتاب عبیدالله بن علی حلبی آن را صحیح شمرده و پذیرفته است (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۳۵ و ۳۹۰؛ همان، ص ۳۴۷).^۱

۱. مجلسی، محمد تقی، (۱۴۰۶)، *روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه*، تحقیق سید حسین موسوی و علی پناه اشتهااردی، تهران: بنیاد اسلامی حاج محمدحسین کوشانپور، ج ۱، ص ۱۳۵ و ۳۹۰؛ ج ۳، ص ۳۴۷.

• نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به مطالعه تحلیلی گزارش‌های عرضه کتب حدیثی بر اهل بیت علیهم‌السلام و نقش آن در نظام اعتبارسنجی حدیث نزد قدما پرداخته شد. نتایج حاکی از آن است که:

اول؛ عرضه کتب حدیثی بر اهل بیت به دو شکل کلی تفصیلی و اجمالی واقع شده است. در عرضه تفصیلی، امام کتاب را به صورت کامل بررسی و تایید یا رد می‌کند. اما در عرضه اجمالی مجموعه‌ای از کتب به صورت عنوان کلی بر امام عرضه می‌شود.

دوم؛ عرضه کتاب بر امام یکی از معیارهای مهم ارزشیابی کتب و اعتبارسنجی حدیث در نزد قدما بوده است.

سوم؛ با توجه به گستره تاریخی عرضه، تنوع کتاب‌ها و تنوع افراد می‌توان آن را به عنوان یک سنت نزد قدما تلقی کرد.

چهارم؛ مشکلات فرارو در عصر حاضر برای استفاده از معیار عرضه کتاب بر امام در اعتبارسنجی احادیث عبارتند از: الف) از تعدد نسخه‌های یک کتاب و پراکندگی آنها در بلاد مسلمین در زمان عرضه، که ما را با عدم اطمینان از نسخه عرضه شده بر امام، احتمال تحریف یا جعل در نسخه‌های پراکنده و عدم دسترسی به نسخه اصلی عرضه شده روبرو می‌کند. ب) فقدان کتاب‌های عرضه شده در عصر حاضر.

پنجم؛ مشکل فقدان نسخه را می‌توان با بازیابی کتاب از جوامع حدیثی موجود رفع کرد.

• منابع

۱. آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن (۱۴۰۳ق). *الذریعة إلى تصانیف الشيعة*، چاپ سوم، بیروت: دار الأضواء.
۲. ابن‌الفرضی، عبد‌الله بن محمد الأزدي (۱۴۰۸ق). *تاریخ علماء الأندلس*، تحقیق السید عزت العطار الحسینی، الطبعة الثانية، القاهرة: مكتبة الخانجي.
۳. ابن‌حجر العسلائی، أحمد بن علی (۱۴۲۷ق). *نخبة الفكر في مصطلح أهل الأثر*، تحقیق عبدالحمید بن صالح بن قاسم آل‌أعوج سبر، لبنان: دار ابن‌حزم.

۴. ابن حداد، سعیدبن محمد (۱۳۹۵ق). *کتاب الأفعال*، قاهره: مؤسسة دار الشعب للصحافة والطباعة والنشر.
۵. ابن غضائري، احمدبن حسين (۱۳۸۰ش). *رجال ابن غضائري*، تحقيق: سيد محمدرضا حسيني جلاي، قم: دار الحديث.
۶. ابن قوطية (بی تا). *کتاب الأفعال*، القاهرة: مكتبة الخانجي.
۷. اردبیلی محمدبن علی (۱۴۰۳ق). *جامع الرواة و إزاحة الاشتباهات عن الطرق و الأسناد*، بیروت: دار الأضواء.
۸. بابایی آریا، علی و فخلعی، محمد تقی (۱۳۸۵). در جستجوی سلیم بن قیس هلالی، *مطالعات اسلامی*، شماره ۷۲، صص ۱۳-۷۴.
۹. باقری، حمید (۱۳۹۳). «منبع معتبر» و نشانه‌های آن نزد محدثان مُتقدّم امامی: نگاهی به جایگاه «منبع مکتوب» در حدیث پژوهی قُدما، *پژوهش‌های قرآن و حدیث*، ۴۷(۱)، صص ۱-۲۶.
۱۰. باقری، حمید (۱۳۹۴). حسن بن عباس بن حریش و کتاب إنا أنزلناه فی لیلة القدر وی؛ بررسی نمونه کتابی عرضه شده بر امام، *حدیث پژوهی*، ۱۷(۱)، صص ۱۳۳-۱۶۶.
۱۱. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۲۳ق)، *الدرر النجفیة من الملتقطات الیوسفیة*، بیروت: دار المصطفی (ص) لاحیاء التراث.
۱۲. برقی، ابو جعفر (۱۴۳۰ق)، *رجال البرقی*، قم: موسسه امام صادق.
۱۳. بهایی عاملی، محمد بن حسین (۱۳۹۸ق)، *مشرق الشمسین و إکسیر السعادتین*، قم: مکتبه بصیرتی.
۱۴. بهبودی، محمدباقر (۱۳۶۲ش)، *معرفة الحديث و تاریخ نشره و تدوینه و ثقافته عند الشیعة الإمامیه*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. بهسودی، محمد سرور (۱۴۱۶هـ). *مصباح الأصول (تقریرات السید الخوئی)*، چاپ پنجم، قم: مکتبه الداوری.
۱۶. پاکدامن، محمدحسن (۱۳۸۸ش). «کافی»، وافی دین: بررسی عرضه «الکافی» بر امام عصر (عج) و جمله «الکافی کاف لشیعتنا»، *مجموعه مقالات فارسی کنگره بین المللی ثقة الاسلام کلینی*، ج ۲، صص ۱۵۹-۱۹۲.
۱۷. جدیدی نژاد، محمدرضا (۱۳۸۰ش). *معجم مصطلحات الرجال و الدرایة*، قم: دارالحديث.
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *تفصیل وسائل الشیعة فی تحصیل مسائل الشریعة*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.

۱۹. حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليهم*، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، مؤسسة النشر الإسلامي.
۲۰. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۲ق). *رجال العلامة الحلی*، قم: الشریف الرضی.
۲۱. حلی، سیدبن طاوس (۱۴۰۶ق). *فلاح السائل و نجاح المسائل*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۲. خطیب بغدادی، أحمد بن علی بن ثابت (۱۹۷۴م). *تقیید العلم*، تحقیق یوسف العث، الطبعة الثانية، قاهرة: دار إحياء السنة النبوية.
۲۳. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق). *معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة*، چاپ پنجم، بی‌جا: بی‌نا.
۲۴. رحمتی، محمد کاظم (۱۳۸۵ش). *بازیابی متون کهن امامی در آثار شیخ صدوق، حدیث اندیشه*، دوره جدید، (۱)۱.
۲۵. رحمتی، محمد کاظم (۱۳۹۱ش). *عبیدلله بن ابی‌رافع و کتاب السنن و الأحكام و القضايا، حدیث پژوهی*، ۴(۱)، صص ۱۰۵-۱۳۰.
۲۶. سلیم بن قیس الهلالی (۱۴۰۵ق)، *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، به کوشش محمدباقر انصاری، قم: الهادی.
۲۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی (۱۴۲۹ق). *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، مؤسسة النشر الإسلامي.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). *إختیار معرفة الرجال*، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۴ش). *تهذیب الأحكام في شرح المقنعة*، تحقیق: سید حسن موسوی خراسان، چاپ سوم، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). *الغیبة*، قم: مؤسسه معارف اسلامی.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ق). *فهرست کتب الشیعه و أصولهم*، تحقیق: سید عبدالعزیز طباطبائی، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
۳۲. ابن‌الصلاح؛ عثمان بن عبدالرحمن (۱۴۱۹ق). *مقدمة ابن‌الصلاح و محاسن الاصطلاح*، تحقیق عائشة بنت الشاطی، قاهرة: دار المعارف.
۳۳. عاملی، حسن بن زین‌الدین (۴۰۳ق). *منتقى الجمان فی الأحادیث الصحاح و الحسان*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین.
۳۴. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ق) *القاموس المحيط*، بیروت: دار الکتب العلمية.

۳۵. فیض کاشانی، محمدمحسن (۱۴۰۶ق). *الوافی*، اصفهان: مکتبه الإمام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام).
۳۶. قلیچ، رسول (۱۳۹۰ش). *بررسی دیدگاه عالمان شیعه درباره کتاب سلیم بن قیس با تأکید بر نقد دیدگاه‌های معاصر* (پایان‌نامه ارشد)، مشهد: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۳۷. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۸۸ق). *الکافی*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، چاپ سوم، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۳۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۳۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۴۰. مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶ق). *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، چاپ دوم، تحقیق: سید حسین موسوی و علی پناه اشتهاردی، قم: بنیاد فرهنگ اسلامی حاج محمدحسین کوشانیپور.
۴۱. مجلسی، محمدتقی (۱۴۱۴ق)، *لوامع صاحبقرانی (مشهور به شرح فقیه)*، قم: اسماعیلیان.
۴۲. مسعودی، عبدالهادی (۱۳۷۶ش). *عرضه حدیث بر امامان (علیهم السلام): قسمت اول، علوم حدیث*، ش ۶.
۴۳. مسعودی، عبدالهادی (۱۳۷۷ش). *عرضه حدیث بر امامان (علیهم السلام): قسمت دوم، علوم حدیث*، ش ۹.
۴۴. معارف، مجید و رشیدی، امیر (۱۳۹۱ش). *بررسی اصالت کتاب عبیدالله بن علی حلبی، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث*، ۱۸ (۵۱)، صص ۸-۲۴.
۴۵. مفید، عباس (۱۳۹۸ش)، *بررسی ابهاماتی پیرامون اصالت کتاب عبیدالله بن علی حلبی، فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث (سفینه)*، ۱۶ (۶۲)، صص ۱۳۴-۱۶۴.
۴۶. منتظری، حسینعلی (۱۴۱۶ق). *البدر الزاهر فی صلاة الجمعة والمسافر*، قم: مکتب آیه الله العظمی المنتظری.
۴۷. میرداماد، محمدباقر بن محمد (۱۴۲۲ق). *الرواشح السماویة فی شرح الأحادیث الامامیة*، تحقیق: غلام حسین قیصریه‌ها و نعمت‌الله جلیلی، قم: دار الحدیث.

۴۸. نجاشی، أحمد بن علی (۱۴۲۴ق). *فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی*، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، چاپ هفتم، قم: جماعه المدرسين في الحوزة العلمية قم، مؤسسة النشر الاسلامي.
۴۹. همدانی، رضا (۱۴۲۲ق). *مصباح الفقيه*، قم: المؤسسة الجعفرية لإحياء التراث.

References

1. Ibn al-Faradi, Abdullah bin Muhammad bin Yusuf bin Nasr al-Azdi (1987). *History of the Scholars of Al-Andalus*. Edited by Sayyid Izzat al-Attar al-Husseini. Cairo: Al-Khanji Library, 2nd edition.
2. Ibn Hajar al-Asqalani, Ahmad bin Ali (2006). *Nukhbat al-Fikr fi Mustalah Ahl al-Athar*. Edited by Abdul Hamid bin Saleh bin Qasim al-Aawaj Sabr. Lebanon: Dar Ibn Hazm.
3. Ibn Haddad, Said bin Muhammad (1976). *Kitab al-Afaal*. Cairo: Dar al-Shaab for Press and Publishing.
4. Ibn Ghudairi, Ahmad bin Hussain (2001). *Rijal Ibn Ghudairi*. Edited by Sayyid Muhammad Reza Hosseini Jalali. Qom: Dar al-Hekmah.
5. Ibn Qutayba (n.d.). *Kitab al-Afaal*. Cairo: Al-Khanji Library.
6. Ardabili, Muhammad bin Ali (1983). *Jami' al-Ruwat wa Izahat al-Ishtibahat 'an al-Turuq wa al-Asnad*. Beirut: Dar al-Adhwa.
7. Babaei Arya, Ali and Khallai, Mohammad Taqi (2006). *In Search of Sulaim bin Qays al-Hilali*. Journal of Islamic Studies, No. 72.
8. Bagheri, H. (2014). "Reliable Sources" and Their Signs According to Early Imami Hadith Scholars: An Examination of the Role of "Written Sources" in Early Hadith Research. *Quran and Hadith Studies*, 47(1).
9. Bagheri, H. (2015). Hasan bin Abbas bin Harish and the Book *Inna Anzalnahu Fi Laylat al-Qadr*: A Study of a Book Presented to the Imam. *Hadith Studies*, No. 13.
10. Bahrani, Yusuf bin Ahmad (2002). *Al-Durar al-Najafiyah min al-Miltaqat al-Yousufiyah*. Beirut: Dar al-Mustafa (PBUH) for the Revival of Heritage.
11. Barqi, Abu Ja'far (2009). *Rijal al-Barqi*. Qom: Imam Sadiq Institute.
12. Bihai, Allameh, Muhammad bin Hussein (2019). *Mishraq al-Shamsayn and the Elixir of the Two Happinesses*. Qom: Basirati Library.

13. Behboudi, Mohammad Baqir (1983). *Knowledge of Hadith, Its History, Compilation, and Culture Among the Imami Shi'a*. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
14. Behsoudi, Mohammad Surur (1996). *Misbah al-Usul* (Reports of Sayyid Khoei), 5th edition. Qom: Al-Dawari Library.
15. Pakdaman, M. H. (2009). *Kafi: Wafi din: A study of the presentation of "Kafi" to Imam al-Asr (a) and the phrase "Kafi is sufficient for our Shi'a"*. In *Collection of Persian articles from the International Congress of Thiqatu'l-Islam al-Kulayni* (Vol. 2).
16. Joudi Nejad, Mohammad Reza (2001). *Dictionary of Hadith Terminology and Criticism*. Qom: Dar al-Hadith.
17. Harami, Muhammad bin Hasan (1995). *Tafsil Wasail al-Shi'ah*. Qom: Al-Bayt Institute for the Revival of Heritage.
18. Harani, Hasan bin Ali (1983). *Tuhaf al-Uqul 'an Aal al-Rasul (PBUH)*. Qom: Tuhaf al-Uqul.
19. Hilli, Hasan bin Yusuf (1982). *Rijal al-Allamah al-Hilli*. Qom: Al-Sharif al-Radi.
20. Hilli, Sayyid bin Tawus (1985). *Falah al-Sa'il wa Najah al-Masa'il*. Qom: Islamic Propagation Office of Qom Seminary.
21. Khateeb Baghdadi, Ahmad bin Ali bin Thabit (1995 CE). *Taqyid al-'Ilm*. Yusuf al-Ash, Dar Ihya al-Sunnah al-Nabawiyah.
22. Khui, Sayyid Abul-Qasim (1994). *Dictionary of Hadith Men and Details of Narrators*. 5th edition.
23. Rahmati, Mohammad Kazem (2006). "Re-evaluating Ancient Imami Texts in the Works of Shaykh Saduq". *Hadith Thought Quarterly*, New Series, Volume 1, Issue 1, Spring-Summer.
24. Rahmati, Mohammad Kazem (2012). "Ubaydullah bin Abi Rafi' and the Book of Sunan and Rulings and Cases". *Hadith Studies Quarterly*, Issue 7, Spring and Summer.

25. Sulaim bin Qays al-Hilali (1984). *The Book of Sulaim bin Qays al-Hilali*. Edited by Ansari Zanjani, Muhammad. Qom: Al-Hadi.
26. Saduq, Muhammad bin Ali bin Babawayh Qummi (1985-1994). *Kitab Man La Yahduruhu al-Faqih*. Edited by Ali Akbar Ghafari. Qom: Islamic Publishing Institute, 2nd edition.
27. Tusi, Muhammad bin Hasan (1983). *Ikhtiyar Ma'rifat al-Rijal*. Edited by Sayyid Mahdi Raji. Qom: Al-Bayt Institute.
28. Tusi, Muhammad bin Hasan (1985). *Tahdhib al-Ahkam Fi Sharh al-Muqni'a*. Edited by Sayyid Hasan Mousavi Khurasani. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 3rd edition.
29. Tusi, Muhammad bin Hasan (1991). *Al-Ghaybah*. Qom: Islamic Knowledge Institute.
30. Tusi, Muhammad bin Hasan (2000). *Index of Shiite Books and Their Principles*. Edited by Sayyid Abdul-Aziz Tabatabai. Qom: Al-Muhqiq al-Tabatabai Library.
31. Tahrani, Aqa Bozorg (1984). *Al-Dhari'ah ila Tasaneef al-Shi'ah*. Beirut: Dar al-Adhwa, 3rd edition.
32. Ibn al-Salah, Othman bin Abdul-Rahman (1998). *Introduction of Ibn al-Salah and the Merits of Terminology*. Edited by Aisha bint al-Shati. Cairo: Dar al-Ma'arif.
33. Amili, Hasan bin Zayn al-Din (2003). *Muntaqa al-Jaman fi al-Ahadith al-Sahihah wa al-Hasanah*. 1st edition, edited by Ali Akbar Ghafari. Qom: University of Teachers.
34. Firuzabadi, Muhammad bin Yakub (1996). *Al-Qamus al-Muhit*. Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah.
35. Fayz Kashani, Muhammad Mahsin (1985). *Al-Wafi*. Isfahan: Imam Amir al-Mu'minin Library.

36. Qulich, Rasul (2011). *A Study of Shiite Scholars' Views on the Book of Sulaim bin Qays with Emphasis on Contemporary Criticisms* (Master's Thesis). University of Religions.
37. Kulayni, Muhammad bin Yakub (2009). *Al-Kafi*. Edited by Ali Akbar Ghafari. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 3rd edition.
38. Majlisi, Muhammad Baqir (1984). *Bihar al-Anwar: The Comprehensive Collection of the Pearls of the Reports of the Pure Imams*. Beirut: Al-Wafa Institute, 2nd edition.
39. Majlisi, Muhammad Baqir (1985). *Mir'at al-Uqul*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
40. Majlisi, Muhammad Taqi (1987). *Rawdat al-Muttaqin Fi Sharh Man La Yahduruhu al-Faqih*. 2nd edition, edited by Sayyid Hussein Mousavi and Ali Panah Ishtahardi. Qom: Foundation of Islamic Culture of Haj Muhammad Hussein Koushanpour.
41. Majlisi, Muhammad Taqi (1994). *Lawa'ih al-Sahibkarani*. Qom: Ismailian Institute.
42. Masoudi, Abdul Hadi (1997). "Presentation of Hadith to the Imams (Peace Be Upon Them): Part One". *Hadith Sciences Quarterly*, No. 6, Winter.
43. Masoudi, Abdul Hadi (1998). "Presentation of Hadith to the Imams (Peace Be Upon Them): Part Two". *Hadith Sciences Quarterly*, No. 9, Autumn.
44. Ma'arif, Majid and Rashidi, Amir (2012). *An Examination of the Authenticity of the Book of Ubaydullah bin Ali al-Halabi*. *Journal of Quranic and Hadith Studies*, Volume 18, Issue 51.
45. Mufid, Abbas (2019). *Examining Ambiguities Concerning the Authenticity of the Book of Ubaydullah bin Ali al-Halabi*. *Specialized Quarterly Journal of Quranic and Hadith Studies*, Issue 62, pp. 134-164.
46. Montazeri, Hussein Ali (1997). *Al-Badr al-Zahir Fi Salat al-Jum'ah wa al-Musafir*. Qom: Office of Grand Ayatollah Montazeri.

47. Mirdamadi, Muhammad Baqir bin Muhammad (2002). *Al-Rawashih al-Samawiyyah*. Edited by Gholam Hossein Qaysariyah and Ni'matullah Jalili. Qom: Dar al-Hekmah.
48. Najashi, Ahmad bin Ali (2003). *Index of the Names of Shiite Authors Known as Rijal al-Najashi*. Edited by Sayyid Musa Shabiri Zanjani. Qom: Islamic Publishing Institute, 7th edition.
49. Hamdani, Reza (2002). *Misbah al-Faqih*. Qom: Al-Ja'fariyyah Institute for the Revival of Heritage.